

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۶ / پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۱۱۷-۱۲۹ (مقاله علمی - پژوهشی)

مبانی و مؤلفه‌های تعامل مذاهب با همدیگر (مطالعه موردی مؤلفه‌های فقهی و اخلاقی)

• مصطفی ذوالفقارطلب

استادیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

zolfaghar49@ut.ac.ir

• محمد جمالی

استادیار دانشگاه تهران

dm_jamali50@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

چکیده

اختلافات اجتهادی مبتنی بر تأویل و تعلیل از خصائص فقه پویاست. جامعه دینی در قبال مسائل اختلافی ناشی از اجتهاد، دست‌کم با رفتار دو طیف دینی مواجه است: طیف معتدل که بر اساس آموزه‌های اخلاقی و دینی خود را موظف به تعامل مثبت با اجتهادات مختلف فقهی می‌داند و طیف افراطی که اجتهادات غیر مذهب خود را بر نمی‌تابند و رفتار آنان منجر به واگرایی مذهبی در بین افراد جامعه می‌گردد. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به نقش مبانی و مؤلفه‌های فقهی اخلاقی در تعامل با اختلافات اجتهادی می‌پردازد. بر اساس یافته‌های پژوهش یک شخص اخلاق‌محور در راستای کارکرد مبانی و مؤلفه‌های اخلاقی در تعامل با اختلافات اجتهادی به اصول زیر پایبند است: اصل امانت‌داری در نقل صحیح و کامل دیدگاهها و دلایل مذاهب فقهی و پرهیز از تقطیع گزاره‌ها و اصل بی‌طرفی و تخصص‌مداری در مقام توصیف و تحلیل داده‌ها. در عرصه مبانی و مؤلفه‌های فقهی، دو قاعده زیر در تعامل با اختلافات اجتهادی کاربرد دارند: قاعده «مراعات الخلاف» به معنای اعتباردهی به دیدگاههای مختلف در یک مسئله فقهی و نیز قاعده «حکم الامام یرفع الخلاف» به‌عنوان یک قاعده فقهی - سیاسی ناظر بر رفع اختلافات اجتهادی از طرف حاکم. از سوی دیگر با رویکرد الگومحوری عملکرد هم‌گرایانه اصحاب عقل و نقل و پیشوایان دینی از جمله سفیان ثوری، شافعی و محمود شلتوت می‌توان به چگونگی تعامل با اختلافات اجتهادی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های اخلاقی، مبانی و قواعد فقهی، مراعات الخلاف، حکم حاکم، اختلافات اجتهادی.





مقدمه

انسجام و همبستگی بین افراد و گروه‌های مختلف یک جامعه از خصائص یک جامعه تمدن‌گراست. از سوی دیگر در یک جامعه توسعه‌یافته فرهنگی، تنوع و اختلافات دیدگاه‌های دینی و فرهنگی، مانع از تحقق همبستگی نیست؛ بلکه نشان از پویایی و بالندگی آن دارد.

اختلافات اجتهادی در صدر اسلام به‌خصوص در عصر صحابه، تابعین و تابعین نیز وجود داشته است؛ بدون آنکه مایه تفرقه و تشتت بین آنان شده باشد. با این وجود برخی از پیروان مذاهب فقهی از روی جهل به مقاصد و اهداف عالی جامعه اسلامی و جمعی دیگر از مغرضان از روی کینه و دشمنی با دین، زمینه‌های سوء تفاهمات و تفرقه نسبت به سایر مذاهب را ایجاد کرده‌اند.

جامعه اسلامی کنونی ما در شرایط بحرانی خاصی به سر می‌برد که موجب تضعیف وحدت بین امت اسلامی گشته است. از جمله اسباب تفرقه و تشتت بین امت اسلامی، دامن‌زدن برخی از جاهلان و مغرضان به اختلافات اجتهادی است و حال آنکه آموزه‌های دین راستین الهی مؤمنان را به همبستگی و صلح بین افراد جامعه فرامی‌خواند و آنان را از تفرقه بازمی‌دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱ و نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۲

سؤال محوری در تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز و اجتناب از تفرقه آن است که با وجود پسندیدگی انسجام و همبستگی از منظر اصحاب عقل و نقل، چگونه می‌توان اجتهادات مختلف فقهی را در بین مذاهب مختلف پذیرفت و اصولاً با کدام یک از مبانی و مؤلفه‌ها می‌توان به تعامل با اختلافات اجتهادی پرداخت؟

از آن جهت که مسئله موردنظر از نوع اختلافات

اجتهادی در عرصه دین است به نظر می‌رسد که حل این مسئله از طریق مبانی و مؤلفه‌های فقهی و اخلاقی قابل تحقق است. از جمله آموزه‌های اخلاقی کارساز در این راستا، اصل امانت‌داری، اصل بی‌طرفی، رعایت اصل تخصص‌مداری و پرهیز از عبارات تحقیرآمیز در مقام توصیف و تحلیل دیدگاه‌های مذهبی است. از سوی دیگر مبانی، قواعد و مؤلفه‌های ارزنده فقهی مانند قاعده «مراعات الخلاف» و قاعده «حکم الامام یرفع الخلاف» و نیز «رویکرد الگومحوری ناظر بر فتاوی و گزاره‌های هم‌گرا»، چگونگی تعامل با اختلافات اجتهادی را تبیین می‌کند.

در راستای وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب فقهی، آثار و تألیفات ارزنده فراوانی نگاشته شده است، از جمله: الانصاف فی بیان اسباب الاختلاف اثر ولی‌الله دهلوی، ادب الاختلاف فی مسائل العلم و الدین اثر محمد عوامه، ادب الاختلاف فی الاسلام اثر طه جابر العلوانی و اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیه اثر مصطفی الخن. اما در این مقاله سعی شده است تا ظرفیتهای راهبردی آموزه‌های اسلام در عرصه فقه و اخلاق ناظر بر چگونگی تعامل با اختلافات اجتهادی با هدف دستیابی به همگرایی دینی و انسجام اسلامی، استقرا و تبیین شود.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی سعی بر آن دارد مبانی و مؤلفه‌های فقهی و اخلاقی چگونگی تعامل با اختلافات اجتهادی را تبیین و بررسی کند.

مفهوم‌شناسی و کلیات

در این بخش از مقاله به تبیین برخی از مفاهیم و کلیات مرتبط با موضوع پرداخته می‌شود.

۱) مفهوم‌شناسی اختلاف

در این مبحث به تعریف لغوی و اصطلاحی اختلاف و سپس وجه تمایز بین دو اصطلاح خلاف و اختلاف پرداخته می‌شود.

الف) تعریف لغوی اختلاف

۱. آل‌عمران، ۱۰۳.

۲. حجرات، ۱۰.



اختلاف از ریشه «خلف» است. واژگان «خلاف» و «مخالف» نیز هم‌خانواده آن هستند و آن عبارت است از عدم اتفاق و عدم همانندی. واژه خلاف، اعم از واژه «ضد» است. چه آنکه تمام اضداد، مختلف هستند ولی هر دو چیز مختلف، ضد هم نیستند؛ همانند سیاه‌وسفیدی که با هم مختلف و ضد یکدیگرند. اما قرمزی و سبزی با وجود اختلاف، ضد همدیگر نیستند.^۳

ب) تعریف اصطلاحی اختلاف

اختلاف در اصطلاح عبارت است از نزاع جاری بین متعارضین به هدف محقق‌ساختن حقی یا ابطال باطلی^۴ و در تعریفی دیگر آمده است: اتخاذ روشی برخلاف روشی دیگر.^۵

در مقایسه تطبیقی بین مفهوم لغوی و اصطلاحی ملاحظه می‌شود که این اصطلاح در عدم اتفاق و همانندی دارای وجه تشابه هستند. از سوی دیگر علمای دین بین دو واژه اختلاف و خلاف به گونه ذیل تمایز قائل شده‌اند:

۱- در اختلاف، روش مختلف ولی مقصود واحد است؛ ولی در خلاف، روش و مقصود هر دو مختلف هستند.

۲- اختلاف، مستند به دلیل است؛ ولی خلاف بدون مستند می‌باشد.

۳- اختلاف، آثار رحمت است؛ ولی خلاف آثار بدعت می‌باشد.

۴- حکم قاضی بر اساس «خلاف» با ارجاع آن مسئله به قاضی دیگر، قابل فسخ است؛ ولی امکان فسخ در چنین حالتی در مسائل اختلافی وجود ندارد.^۶

با مراجعه به آیات قرآنی نیز ملاحظه می‌شود که لفظ خلاف به هنگام مواجهه یک‌طرفه و لفظ اختلاف با مواجهه دوطرفه صورت می‌پذیرد. آیه شریفه ذیل مؤید مواجهه یک‌طرفه است:

ج) علم الخلاف

در راستای تمایز مفهومی بین دو اصطلاح «اختلاف» و «خلاف» به تعریف «علم الخلاف» می‌پردازیم. در تعریف این علم، عبارات مختلفی وارد شده است از جمله: «دانشی که به چگونگی بیان ادله شرعی، دفع شبهه و ایجاد خلل در ادله طرف مقابل با ادله قطعی می‌پردازد.»

زحیلی علم الخلاف را با موضوع فقهی چنین تعریف کرده است: «بیان دیدگاه‌های مذاهب فقهی با ادله و مبانی اصولی پیشوایان مذاهب فقهی و وجه استدلال اجمالی و تفصیلی جهت اثبات دیدگاه‌های مذاهب فقهی خود.»

هرچند علم الخلاف با «فقه مقارن» به معنای تدوین مطلق (مشترک یا مختلف) دیدگاه‌های مذاهب فقهی در یک مسئله، در بخش تدوین دیدگاه‌های مختلف دارای وجه مشترک هستند، اما وجه تمایز علم الخلاف و فقه مقارن در غایت این دو علم است؛ به گونه‌ای که غایت پژوهشگر در علم الخلاف، اثبات دیدگاه فقهی مذهب خود است برخلاف فقه مقارن که دستیابی به حقیقت حکم، غایت پژوهشگر در عملیات مقارنه است.

با بررسی ساختار تعریف «علم الخلاف» و «فقه مقارن» ملاحظه می‌شود که به طور نسبی اصطلاح «خلاف» با «علم الخلاف» و اصطلاح «اختلاف» با «فقه مقارن» همسویی دارد. اما ادعای تطابق کامل

۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۱۸۱؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۴.

۴. التعریفات، ص ۱۳۵.

۵. المصباح المنیر، ص ۱۷۹.

۶. الکلیات، ص ۷۹.

۷. هود، ۸۸.

۸. مریم، ۳۷.



مفهومی دو اصطلاح خلاف و علم الخلاف صحیح به نظر نمی‌رسد.

۲) مفهوم اختلاف اجتهادی

مراد از عبارت «اختلاف اجتهادی»، اختلاف ناشی از اجتهاد است و اجتهاد عبارت است از: «استفراغ الفقیه الوسع لتحصیل ظن بحکم شرعی»^۹ (به‌کارگیری نهایت تلاش برای دستیابی حکم شرعی از طریق ظن). واژه ظن در مقابل نص قرار گرفته است. چه آنکه نصوص، از طریق ظن قابل اجتهاد نیستند. اجتهاد از دو طریق لفظ و تعلیل در غیر موارد نص اصولی انجام می‌گیرد.

نص عبارت است از: «هر لفظ غیر احتمال پذیر مانند لفظ زید.»^{۱۰}

بر اساس شناخت ماهیت نص و قیود آن می‌توان به مسائل اجتهاد‌پذیر دست یافت.

۳) اسباب تعدد مذاهب

تشریح اسلامی در صدر اول اسلام به سبب حضور رسول‌الله (ص) بر مبنای قرآن و سنت استوار بود و پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) به خصوص در عصر تابعین، مسائل نوپیدایی ایجاد شد که در استنباط احکام شرعی این مسائل در بین صحابه و تابعین دو نگرش متمایز وجود داشت:

الف) نگرش نص‌محور

اصحاب این اندیشه نصوص شرعی را محور استنباط احکام شرعی قرار می‌دادند و تنها در شرایط اضطراری به رأی متمسک می‌شدند که به اهل حدیث نیز معروف هستند که پیشوای فکری این مکتب «سعید بن مسیب» است. اهل حجاز دارای چنین تفکری بودند.

ب) نگرش تعلیل‌محور

اصحاب این اندیشه بر آن بودند که احکام شرعی معقوله المعنی هستند و به هنگام تعارض بین نصوص و مصالح، مصالح را بر نصوص ترجیح می‌دادند که به اصحاب رأی معروف هستند. پیشوای فکری این

۹. نه‌ایة السؤل فی شرح منهاج الاصول، ج ۴، ص ۵۲۶.

۱۰. غایة الوصول شرح لب الاصول، ص ۶۵.

مکتب، «ابراهیم نخعی» بود. عراق کانون فکری اهل رأی بود.^{۱۱}

قابل ذکر است که هر چند هر یک از پیشوایان مذاهب دارای ادله اجمالی و قواعد اصولی و استنباطات فقهی مستقلی بوده‌اند، اما التزام به قواعد و استنباطات فقهی آنان تحت عنوان مذاهب پس از حیات آن بزرگواران اتفاق افتاد.^{۱۲}

جمعی از دانشمندان، اسباب توکین و تعدد مذاهب را به گونه ذیل برشمرده‌اند:

۱- مدون بودن دیدگاه‌های پیشوایان؛

۲- ترویج دیدگاه‌های پیشوایان از طریق شاگردان؛

۳- ساختارمند نمودن دیدگاه‌ها در چارچوب مذهب مدون به هدف اجتناب از سوءاستفاده از جایگاه اجتهاد شخصی در قضاء.^{۱۳}

به نظر می‌رسد که اختلافات در مبانی، مناهج و روش‌های استنباط احکام، از جمله اسباب مهم تکوین و تعدد مذاهب باشد؛ بدین‌گونه که ابتدا با ایجاد دو روش فکری استنباط یعنی مکتب اهل حدیث و اهل رأی و سپس با ایجاد قواعد مختلف استنباط، مذاهب فقهی مختلف به تدریج شکل گرفت.

۴) اختلاف تنوع و اختلاف تضاد

تبیین نوع اختلاف بین مذاهب در چگونگی تعامل با اختلافات بین اتباع مذاهب اثرگذار است. اصولاً اختلاف بر دو نوع است: اختلاف تنوع و اختلاف تضاد. مراد از اختلاف تنوع عبارت است از: «مخالفتی که مقتضی نافات و موجب ابطال بین دیدگاه‌ها نباشد و دیدگاه‌ها [در اختلافات تنوع] هم‌نوع هستند نه متضاد.»^{۱۴}

بر مبنای این تعریف، دیدگاه‌های مختلف در یک مسئله در حالت تنوع، در تضاد بین یکدیگر قرار

۱۱. تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۸۴.

۱۲. تاریخ المذاهب الاسلامیة فی السیاسة و العقائد و تاریخ المذاهب الفقهیة، ص ۲۷۰.

۱۳. تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۱۷۹.

۱۴. الاختلاف و ما آل الیه، ص ۱۹.



ندارند. به عنوان نمونه اختلاف قرائات جواز افطار و نیز روزه‌داری در سفر، اختلاف در چگونگی اذان، تشهد، نماز خوف و... از نوع اختلاف تنوع محسوب می‌شوند.

مراد از اختلاف تضاد عبارت است از: «دیدگاههای مختلف [اجتهادی] متضاد یکدیگر در حکم ناظر بر خطا یا بطلان در یک موضوع [مشخص در حالت عادی].»

دوره اول: عصر پیامبر اکرم(ص)، دوره دوم: عصر صحابه، دوره سوم: عصر نامعین، دوره چهارم: دوره پیشوایان مذاهب فقهی، دوره پنجم: عصر رشد و بالندگی فقه الخلاف، فقه مقارن.

احکام شرعی در عهد نبی اکرم(ص) به عنوان یک دانش مستقل مدون نبوده است، بلکه یاران رسول الله(ص) این احکام شرعی را از آن حضرت بر مبنای وحی دریافت می‌کردند و به هنگام اختلاف آراء پیامبر اکرم(ص) به تبیین آن می‌پرداختند.^{۱۵}

بر حسب استقراء و بررسی سنت رسول الله(ص) آن حضرت چگونگی و فرآیند اجتهادات دینی را به یاران خویش تعلیم داده است تا به هنگام بروز مسائل مستحدثه در حالت عدم حضور آن حضرت پاسخ‌گوی این نوع مسائل نوپدید باشند.

احکام شرعی در عهد پس از پیامبر اکرم(ص) در دوره صحابه بر اساس قرآن، سنت، اجماع و اجتهاد صحابه استوار بوده است و به علت بروز حوادث نوپیدا، نیاز به اجتهاد تعلیلی و نیز اجتهاد شورایی و اجماع تقویت یافت.^{۱۶} در این دوره نیز فقه اسلامی به عنوان علم مستقل تدوین نیافت.

در دوره سوم تاریخی تشریح که به دوره تابعین مشهور است، به لحاظ منابع استنباط با دوره صحابه تفاوت چندانی وجود نداشت؛ به جز آنکه شرایط خاص در این دوره حاکم گشت. از جمله آنکه به سبب پراکندگی جمع زیادی از بزرگان در سرزمینهای اسلامی مختلف، امکان تحقق اجماع دشوار گشت.

نشاندهنده این نوع اختلاف تنوع محسوب می‌شوند.

مراد از اختلاف تضاد عبارت است از: «دیدگاههای مختلف [اجتهادی] متضاد یکدیگر در حکم ناظر بر خطا یا بطلان در یک موضوع [مشخص در حالت عادی].»

اختلاف در جواز و عدم جواز نکاح محلل از جمله اختلافات از نوع تضاد محسوب می‌شود. تضاد ممکن است در اصول یا فروع فقهی ظنی باشد. دیدگاه قائلین به این که مصیب در اجتهادات، واحد است مقتضی آن است که یکی از دیدگاهها در مسئله مشخص، درست و دیدگاههای دیگر بر خطا یا باطل باشد. اما بر اساس دیدگاه قائلین بر مصیب مجتهدان در اجتهاد خویش، اختلاف تنوع لازم می‌آید. جایگاه تفصیلی این مبحث در موضوع تصویب و تخطئه اصولی است.

بر اساس استقراء در مسائل مختلف بین مذاهب، اغلب اختلافات در ظنیات از نوع اختلاف تنوع است.

اشخاص در عمل به مسائل اختلافی از نوع اختلاف تنوع، مورد مذمت قرار نمی‌گیرند و از این رو با آگاهی از موارد اختلاف تنوع و اختلاف تضاد، روشنگری دینی در مسائل اجتهادی ایجاد می‌گردد و دایره نزاعات مذهبی تنگتر می‌شود. افزون بر آن دیدگاههای مختلف در یک مسئله از نوع اختلاف تنوع، عمل به یکی از دیدگاهها را به تناسب شرایط مکلفان، آسانتر می‌گرداند.

۵) اختلافات اجتهادی زمینه ساز پیدایش علوم اسلامی

اجتهادات مختلف در دوران اولیه تشریح موجب اعتلای تمدن اسلامی در عرصه علوم انسانی از جمله فقه الخلاف، فقه مقارن و اصول فقه گشت. تاریخ تکوین این علوم ارتباط مستحکم و مباشر با سیر

۱۵. تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۲.

۱۶. تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۲۳۹.



وضع و جعل احادیث در این دوره گسترش یافت. جریانات و فرقه‌های مذهبی خاصی پدید آمدند که همه این شرایط در فرآیند و نوع استنباطات دینی اثرگذار شوند. ظهور دو مکتب فقهی اهل حدیث و اهل رأی از خصائص بارز این دوره بود که زمینه را برای اختلاف روش استنباطات فقهی فراهم آورد.^{۱۷} با وجود شرایط خاص دوره تابعین و وجود دو مکتب فقهی متمایز اهل حدیث و اهل رأی، اما دانش فقه به عنوان یک علم مستقل در این دوره همانند دو دوره گذشته تدوین نیافت.

دوره چهارم فقه که به دوره پیدایش مذاهب فقهی با پیشوایان مذاهب فقهی اختصاص دارد، اختلافات فقهی به‌طور روشمند و مدون شکل گرفت. از جمله مجموعه‌ها و آثار ناظر بر اختلافات شرعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- الحجه علی اهل المدینه، تألیف: محمد بن حسن شیبانی در رد بر مالک؛
- ۲- الرد علی سیر الاوزاعی، تألیف: قاضی ابویوسف؛
- ۳- الرد علی محمد بن حسن شیبانی، تألیف: شافعی؛
- ۴- اختلاف مالک و الشافعی.

به نظر می‌رسد که بر اساس آثار و تألیفات فقهی ناظر بر اختلافات علما در استنباطات شرعی بتوان دوره پیدایش مذاهب فقهی را دوره تدوین دانش فقه به‌طور مستقل دانست.

در این دوره در پی اسباب مختلف از جمله تعارض بین ادله، حوادث نوپیدا، ظهور و جعل و وضع در روایات و اختلافات در چگونگی و روشهای فقهی نیاز به تدوین علم قواعد استنباط به‌طور جدی و کاربردی تقویت گشت و از این رو شافعی اولین دانش علم اصول فقه را در کتاب نفیس خود تحت عنوان «الرساله» تدوین نمود.^{۱۸}

پس از دوره چهارم، در دوره پنجم تشریح، دانشهایی

چون فقه الخلاف و فقه مقارن به رشد و بالندگی رسیدند که به‌طور مسلم منجر به روش‌شناسی خاصی در عرصه فقه به عنوان یک علق مستقل تحت عنوان فقه الخلاف و فقه مقارن گشت.

در این دوره آثار مهم و ارزنده‌ای در موضوعات فقه الخلاف و فقه مقارن تدوین یافت که به مهمترین آن اشاره می‌گردد:

- ۱- اختلاف الفقهاء، تألیف: ابن جریر طبری؛
 - ۲- التعلیق فی مسائل الخلاف بین الائمة، تألیف: ابوزید دیوسی؛
 - ۳- اختلاف الفقهاء، تألیف: ابوجعفر طجاوی؛
 - ۴- الاشراف، تألیف: ابن منذر.
- این دوره را می‌توان دوره پیدایش علم الخلاف و فقه مقارن دانست.

مبانی و مؤلفه‌های اخلاقی کیفیت طرح و نقد دیدگاههای مختلف فقهی

گام‌نهادن در عرصه اختلافات اجتهادی در چارچوب مؤلفه‌های اخلاقی با دو محور طرح و نقد دیدگاهها بررسی می‌شود.

(۱) اصل امانت‌داری در نقل دیدگاههای مذاهب امانت‌داری به عنوان یک فضیلت اخلاقی بارز در تمام جوامع بشری محسوب می‌شود و یک اصل مهم زندگی اجتماعی انسانهاست و در نصوص دینی بر آن تأکید فراوان شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^{۱۹}

پیامبر اکرم (ص) پیش از بعثت خویش به این فضیلت اخلاقی آراسته بود و به محمد امین مشهور بود، امانت‌داری به تناسب حرفه‌ها و تخصصهای مختلف، دارای مفاهیم متعددی است. به عنوان نمونه امانت‌داری در یک کار سازمانی عبارت است از: صداقت، رازداری، اعتدال در علایق شخصی و سازمانی، عفت و پاکدامنی، وفاداری سازمانی، دوری از کم‌کاری و

۱۷. تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۳.

۱۸. تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۱۳۸.

۱۹. مؤمنون، او ۱.



فساد مالی همه از آثار دغدغه‌های امانت‌داری در حرفه است.^{۲۰}

نقل دیدگاههای مذاهب نیز باید بر اساس اصول امانت‌داری باشد. نقل درست دیدگاهها و دلایل برای

همگان خواه برای پژوهشگر و خواه در خلال مذاکره شفاهی عنصر مهم فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود.

نقل تقطیعی دیدگاهها و دلایل مذاهب، گاهی موجب استنباطهای نادرست می‌گردد که چنین نقل‌قولهایی برخلاف اصول امانت‌داری است. بر این اساس نقل اقوال و دلایل مذاهب باید به‌طور کامل و بدون تقطیع صورت پذیرد.

۲) اصل بی‌طرفی و پرهیز از پیش‌فرض مذهبی در طرح و نقد دیدگاههای مذهبی

پژوهشگر و یا ناقل دیدگاههای مذهبی بر اساس باورهای مذهبی دارای پیش‌فرضهای مذهبی خویش

است. ادب اختلاف اقتضا می‌کند که پژوهشگران پیروان مذاهب، اصل بی‌طرفی در نقل و تحلیل را

رعایت کنند تا نتایج داده‌ها و تحلیلها تحت تأثیر پیش‌فرضهای مذهبی آنان قرار نگیرد. رسالت محققان

هم‌چون منصب قضاوت است که بدون هیچ پیش‌فرضی به بررسی دعاوی می‌پردازند تا در حد وسع خویش به

حقیقت دست یابند. اما اگر پژوهشگران و شخصیت‌های مذهبی با پیش‌فرضهای مذهبی خویش به تحقیق در

مسائل تاریخی مربوط به مذاهب و یا مسائل کلامی و فقهی بپردازند، مسلماً مسائل را با همان پیش‌فرض

ذهنی، استقرا، دسته‌بندی و نتیجه‌گیری خواهند نمود که مغایر با اهداف و اخلاق پژوهش محسوب می‌شود.

متأسفانه در حجم بیشتری از پژوهشها، خطابه‌ها و مباحثات کلامی و فقهی مذاهب در جهان اسلام، این

نوع روش تحقیق و خطابه ملاحظه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که جمعی از پژوهشگران بر اساس پیش‌فرضهای

مذهب خویش و بدون توجه به باورها و مسلمات مذهب غیر خود به طرح و بررسی مسائل می‌پردازند.

به عنوان نمونه می‌توان به این آثار اشاره نمود: الف) الانتصار فی الرد علی المعتزله و القدریه الاشرار: یحیی العمرانی ب) الرد علی الشافعی: محمد بن اللباد القیروانی.

۳) رعایت اصل تخصص‌مداری در طرح و نقد دیدگاههای مختلف مذهبی

مبنای اصل حرفه‌ای و تخصص‌مداری در مسائل، آیه شریفه ذیل است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^{۲۱}

پیرو مذهبی خاص بودن به معنای وجود تخصص در آن مذهب نیست. از این رو خطابه‌ها و جدلهای مذهبی

اتباع مذاهب باید بر اساس آگاهی و تخصص مذهبی باشد. اتباع سایر مذاهب نیز بدون تخصص، دانش و

آگاهی از مذاهب دیگر نباید وارد عرصه پژوهشهای دینی و خطابه‌ها و جدلهای کلامی و فقهی شوند.

درصد قابل ملاحظه‌ای از سوءتفاهمات مذهبی و تفرقه‌ها ناشی از عدم رعایت اصل حرفه‌ای بودن در

تدوین و مباحثات فقهی و کلامی است.^{۲۲} بر این مبنا طرح مسائل فقهی و کلامی مذاهب و نقد و تحلیل

آنها باید بر اساس دانش و آگاهی کافی و مناسب در موضوعات باشد که از آن تعبیر به اصل تخصص و حرفه‌ای بودن می‌شود.

۴) پرهیز از القاب و عبارات تحقیرآمیز در مقام توصیف و تحلیل

با مطالعه منابع فقهی، کلامی و تاریخی مذاهب اسلامی و نیز مطالعه برخی خطابه‌ها و جدلهای اتباع مذاهب،

واژگان و عبارات تحقیرآمیزی نسبت به مذهب مخالف ملاحظه می‌شود.

استعمال واژه «رافضیه» به جای «شیعه امامیه» و واژه «عامه» به جای «اهل سنت» به‌طور مسلم

خوشایند اتباع آن مذهب نیست؛ هر چند که شخص برای استعمال این واژگان مبنای روایی داشته باشد؛

۲۱. اسراء، ۳۶.

۲۲. «خاستگاه اخلاق پژوهش»، ص ۹۷.

۲۰. اخلاق حرفه‌ای، ص ۳۸۱.



چه آنکه هم اکنون کاربرد این واژگان از منظر اتباع مذاهب در جهت ذهنیت منفی است. استعمال چنین واژگانی را می‌توان در بیشتر منابع دینی اهل سنت و شیعه ملاحظه نمود.^{۲۳}

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۲۴} و وجه استدلال به آیه این است که واژه «راعنا» از واژگان دوپهلوی است؛ بدین‌گونه که دارای ریشه «رعن» به معنای رعایت‌کردن^{۲۵} و «رعن» به معنای خرکردن، احق نمودن^{۲۶} می‌باشد که بر این مبنا یهودیان از این واژه بر ضد مسلمانان سوء استفاده کرد و از واژه دوپهلوی «راعنا» خطاب به پیامبر(ص) استفاده می‌کردند.

فخر رازی برای این واژه معانی زیر را ذکر کرده است:

۱- معادل واژه عبری در نزد یهود است که آن را در حالت بدگویی و نفرین استعمال می‌کردند که به معنای: «شنیدیم و نافرمانی کردیم» است؛

۲- دارای معنای اصلی مثبت ولی استعمال آن در نزد اهل حجاز در حالات استهزاء بوده است؛

۳- به معنای چرانیدن؛

۴- در باب مفاعله به معنای همانندی در منزلت؛

۵- خطاب از روی استعلاء؛

۶- راعنا از ماده «رعن» در معنای منفی آن.^{۲۷}

در این شرایط آیه قرآنی نازل آمد که از این واژه به سبب منع از سوءاستفاده یهودیان استفاده نشود.

بر این اساس واژه «رافضی» و «عامه» نیز هم‌اکنون در عرف عام مذهب مقابل، همین کاربرد دوجوهی را پیدا کرده است. از این‌رو، استعمال چنین واژگانی

مغایر با اخلاق حرفه‌ای است. هم‌چنین خداوند متعال به‌کارگیری چنین القاب و واژگانی را بر اساس نص

شرعی شدیداً نهی فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ... وَلَا تَنَابَزُوا بِالْألقَابِ بئس الاسم الفسوق بعد الإيمانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.»^{۲۸}

نسبت دادن مصطلحات و مفاهیم تحقیرآمیز به باورها و ارزشهای مذاهب اسلامی و یا پیشوایان آنان از مصادیق «تنابز باللقاب» محسوب می‌شود که یک رفتار غیراخلاقی است و باید به‌طور جدی از آن اجتناب ورزید. متأسفانه با مطالعه برخی از گزارشات و مطالب پژوهشگران عرصه مذاهب در جهان اسلام ملاحظه می‌شود که چنین کاربردی در پژوهشها و خطابه‌ها به‌وفور آمده است که موجب جریحه‌دار شدن اتباع سایر مذاهب شده است.

تبدیع، تفسیق و تکفیر نیز از مفاهیم حساس فقهی و کلامی است که در بین مکاتب، جریانات و مذاهب مختلف نسبت به همدیگر به‌کار گرفته می‌شود که برخلاف اهداف عالی ادب اختلاف و مصالح عالیّه امت اسلامی است. چنین خصائصی منجر به فتنه و جدایی بین امت اسلامی می‌گردد.

مبانی و مؤلفه‌های فقهی تعامل با دیدگاههای مختلف مذهبی

در این مبحث به چگونگی تعامل با اختلافات فقهی و کلامی در مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود. وجود اختلاف نظر در بین مذاهب امری مسلم و انکارناپذیر است. اختلافات فقهی و کلامی ناشی از اجتهادات جایز و مشروع است و اجتهاد در مذاهب نیز نشان از پویایی دین دارد.

این مبحث در دو بخش مجزا تحت عنوان قاعده «مراعات الخلاف» و «حکم الامام یرفع الخلاف» و نیز رویکرد الگومحوری در تعامل با اختلافات بررسی می‌شود.

(۱) قاعده «مراعات الخلاف»

قاعده «مراعات الخلاف» در نزد جمهور اهل سنت

۲۳. المحلی بالآثار، ج ۸، ص ۳۵۱؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۰، ص ۲۳.

۲۴. بقره، ۱۰۴.

۲۵. المعجم الوسیط، ص ۳۸؛ القاموس المحیط، ج ۱، ص ۶۰.

۲۶. همان، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲۷. مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۶۳۴.

به قاعده «الخروج من الخلاف مستحب» نیز معروف است. مالکیه معتقدند که قاعده مراعات الخلاف دارای دو حالت است: مراعات الخلاف قبل از وقوع مسئله که همان قاعده «الخروج من الخلاف مستحب» می‌باشد که مبنای فقهی آن، «احتیاط و ورع» است و مراعات الخلاف پس از وقوع مسئله که مبنای فقهی آن برخی نصوص دینی و مآلات افعال است. در مبحث مورد نظر ما مراعات الخلاف پس از وقوع با ادب اختلاف هم‌سویی و کاربرد بیشتر دارد که هر چند مالکیه در کاربرد این قاعده مشهور شده‌اند، اما تمام مذاهب اهل سنت قائل به کاربرد آن هستند.

الف) تعریف قاعده مراعات الخلاف پس از وقوع مسئله

هر چند تمام مذاهب اهل سنت قائل به مراعات الخلاف پس از وقوع مسئله هستند، اما در بین مذاهب، مالکیه به تعریف این نوع مراعات الخلاف مبادرت کرده‌اند که تعاریف متعددی از آنان وارد شده است، از جمله: - «حقیقه مراعاة الخلاف إعطاء كل واحد من الدلیلین حکمه»^{۲۹} (مراعات الخلاف عبارت است از اعتباردهی به حکم هر یک از دو دلیل [مختلف]).

شرح تعریف: اگر دلایل یکی از دیدگاهها از منظر محقق، از قوت و جزم استواری برخوردار باشد که دلایل دیدگاه دوم تاب مقاومت آن را نداشته باشد، قاعده مراعات الخلاف در این‌گونه موارد کاربرد ندارد. کاربرد قاعده مراعات الخلاف در حالتی است که دلایل یکی از دیدگاهها از روی ظن راجح باشد نه جزم و قطع. بر این مبنا اگر عقد یا عبادتی به مقتضای دلایل دیدگاه مرجوح انجام گیرد، فسخ عقد و بطلان عبادت صورت نمی‌پذیرد، چه آنکه بر اساس دلیلی بوده است که ذاتاً معتبر است و اسقاط آن موجب طیب خاطر نمی‌گردد و این همان معنای قاعده مذکور بر مبنای اعتباردهی به حکم هر یک از دو دلیل است که

مرز میان مقتضای دو دلیل است. - «إعمال دلیل فی لازم مدلوله الذی أعمل فی تقيضه دلیل آخر»^{۳۰} (اعتباردهی به لازم مدلول دلیل مخالف که برای تقيض آن دلیلی دیگر اقامه شده است).

به‌عنوان نمونه کارکرد قاعده مراعات الخلاف در مسئله نکاح شغار که نزد مالکیه از نوع نکاح غیر جایز است، بدین‌گونه است که مدلول دلیل مخالف در این مسئله، جواز نکاح شغار و لازمه این مدلول، ثبوت ارث بین زوجین است که بر اساس قاعده مراعات الخلاف، مالکیه با وجود عدم جواز نکاح شغار اما آثار عقد شغار از جمله ثبوت ارث بین زوجین را پذیرفته‌اند. بر این مبنا، به مقتضای صحت نکاح شغار در نزد سایر مذاهب عمل کرده‌اند.^{۳۱}

تحلیل تعاریف: وجه تمایز و تشابه بین دو تعریف مذکور را می‌توان بدین طریق بیان کرد که هر دو تعریف مذکور به لحاظ اعتباردهی به تمام دلایل دیدگاههای موافق و مخالف دارای وجه اشتراک هستند. اما در تعریف نخست اضلاع ترجیح دلایل دیدگاهها مشخص نشده است، بلکه اعتبار دیدگاهها و دلایل آنها بالسویه است و حال آنکه در تعریف دوم با وجود اعتبار هر دو دلیل، به مقتضای دلایل دیدگاه مخالف عمل می‌شود و از این‌رو به دیدگاه مخالف اعتبار داده می‌شود. صرف‌نظر از تعاریف مختلف، عمل به این قاعده در حقیقت راهگشای مسائل اختلافی در شرایط و اقتضائات متناسب با مآلات الافعال و مقاصد شریعت است.

ب) مستندات قاعده مراعات الخلاف
قاعده مراعات الخلاف پس از وقوع، مستند به دلایلی است، از جمله:

۱. دلایل نقلی
- قرآن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا

۳۰. همان‌جا.

۳۱. التاج والإكليل، ج ۵، ص ۹۰؛ المعيار المغرب و الجامع المغرب عن فتاوى علماء افريقيه و الاندلس و المغرب، ج ۶، ص ۳۸۸.

۲۹. المعيار المغرب و الجامع المغرب عن فتاوى علماء افريقيه و الاندلس و المغرب، ج ۶، ص ۳۸۸.





الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ
الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا. ۳۲

وجه استدلال به آیه شریفه آن است که خداوند از حرمت شکنی آیینهای مشرکان که به زعم باطل آنان عبادت محسوب می‌شود، نهی کرده است، پس مراعات دیدگاههای مختلف مسلمانان به طریق اولی انجام می‌گیرد. ۳۳

- روایت عایشه از رسول‌الله(ص): «یا عائشة لو لا أن قومك حديث عهد بجاهلية لأمرت بالبيت فهدم، فأدخلت فيه ما أخرج منه و ألقته بالأرض و جعلت له بابين، باباً شرقياً و باباً غربياً فبلغت به اساس ابراهيم». ۳۴ (ای عایشه! اگر قوم تو تازه مسلمان نبودند، دستور انهدام کعبه را می‌دادم، پس آن بخشی را که از آن خارج شده است را به آن ملحق می‌نمودم و برای آن دو در قرار می‌دادم: در شرقی و در غربی و بدین طریق خانه کعبه را به ساختار بناشده توسط ابراهیم می‌رساندم).

وجه استدلال به حدیث آن است که با وجود رغبت رسول‌الله(ص) بر تغییر ساختار کعبه بر اصل ابراهیمی، اما از آن جهت که این تغییر موجب اختلاف و تنش می‌گشت، آن حضرت به تغییر آن مبادرت نورزید.

- روایت عایشه: بین سعد بن ابی‌وقاص و عبد بن زمعه در مورد نسب پسری اختلاف کردند. سعد با استدلال به ادعای برادرش عتبه بن ابی‌وقاص و نیز به دلیل شباهت آن پسر به عتبه بن ابی‌وقاص مدعی نسبیت آن پسر به عتبه بود. هم‌چنان که استدلال عبد بن زمعه درباره برادری آن پسر با او آن بود که مادر آن پسر کنیز پدرش بوده است و سبب تولد او بوده است. نزد رسول‌الله(ص) جهت رفع خصومت رفتند. آن حضرت پسر را وابسته به عبد بن زمعه دانست و به سوده بنت زمعه خواهر عبدالله بن زمعه دستور داد

که حجاب را در مقابل او رعایت کند. ۳۵
وجه استدلال به این حدیث آن است که با وجود آنکه رسول‌الله(ص) نسب را به عبد بن زمعه الحاق نمود، اصولاً رعایت حجاب در مقابل برادر واجب نبود و اما با این وجود به سبب شباهت این پسر به عتبه، پیامبر اکرم(ص) به لازم این مدلول نیز عمل کرده است.

۲. دلایل عقلی
از جمله مستندات قاعده مراعات الخلاف پس از وقوع، دلایل عقلی مصلحت و استحسان است.

- مصلحت: مراد از مصلحت، جلب منفعت و دفع مضرت بر اساس حفظ یکی از ضروریات پنج‌گانه دین است و وجه تشابه بین مراعات الخلاف و مصلحت در تشابه مبنایی این دو است، بدین‌گونه که محور هر دو قاعده، مصلحت می‌باشد. ۳۶

- استحسان: یکی از معانی استحسان عبارت است از: ترک یکی از وجوه مسئله اجتهادی و عمل به وجهی دیگر به مقتضای دلیل قویتر از وجه نخست. ۳۷
در قاعده مراعات الخلاف نیز هم‌چون استحسان به اقتضای مصلحتی برتر به قول مرجوح مخالف عمل می‌شود.

۲) قاعده «حکم الامام یرفع الخلاف»
این قاعده یکی از قواعد فقه سیاسی در باب اجتهاد است که بنابر ضوابطی حکم حاکم موجب رفع اختلاف می‌گردد. ۳۸ مفهوم این قاعده آن است که حکم حاکم، در حیطة اجتهادات جایز، مسموع و موجب رفع اختلافات فقهی می‌شود.

مبنای فقهی این قاعده، دلایل متعددی از جمله این آیه شریفه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

۳۵. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۵۴.

۳۶. المستصفی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳۷. منح الجلیل، ج ۶، ص ۴۲۷.

۳۸. المنثور فی القواعد، ج ۱، ص ۳۰۵.

۳۲. مانده، ۲.

۳۳. المعیار المغرب و الجامع المغرب عن فتاوی علماء افریقیه و الاندلس و المغرب، ج ۶، ص ۳۹۵.

۳۴. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۷۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۶۹.

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».^{۳۹}

رویکرد الگومحوری ناظر بر فتاوی و گزاره‌های همگرا

تعامل دانشمندان دین با اختلافات اجتهادی الگوی مناسبی است برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب. این نوع فتاوا و دیدگاههای اجتهادی در هم‌گرایی و انسجام اسلامی نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند. خاصه آنکه این نظرات اجتهادی از سوی پیشوایان و مراجع دینی صادر گردد.

سفیان ثوری از علمای اعلام قرن دوم هجری قمری سخن بسیار ارزنده‌ای را در تعامل با اختلافات اجتهادی از خود بر جای گذاشته است و آن اینکه: «هرگاه کسی را دیدی که عملی را انجام می‌دهد که در حکم آن اختلاف وجود دارد و آن عمل برخلاف دیدگاه تو باشد، او را از آن عمل باز مدار.»^{۴۰} این سخن ارزشمند سفیان ثوری ناظر بر این قاعده فقهی است: «لاینکر المختلف فیه و إنما ینکر المجمع علیه».^{۴۱}

بدین معنا که اشخاص به سبب عمل به مسائل اجتهادی انکار نمی‌شوند، اما در عمل خلاف اجماع انکار می‌شوند.

شافعی، پیشوای فقهی مذهب شافعی، همانند دیگر پیشوایان مذاهب از نگرش وسیع و بلندی برخوردار بودند. نقل کرده‌اند که شافعی پس از پیرایش موی سر (اصلاح موی سر)، حجم زیادی از موی سرش پس از پیرایش، بر لباسش قرار گرفته بود. در آن وقت بنا بر قول قدیم او، مو را نجس می‌دانست، به او عرض کردند که بر لباسش موی سرش قرار گرفته است. فرمود: از آن جهت که دچار این مسئله شدیم بر اساس مذهب اهل عراق عمل می‌کنیم.^{۴۲}

ابویوسف از شاگردان ابوحنیفه، غسل نمود و پس از نماز جمعه به او خبر دادند که در آب چاه موش مرده‌ای افتاده بود. ابویوسف نماز ظهر خویش را اعاده نکرد و فرمود: بر اساس دیدگاه برادران خودمان از اهل مدینه عمل می‌کنیم که قائل به آن هستند که هرگاه آب به دو قلّه برسد، نجس را بر نمی‌تابد.^{۴۳}

افزون بر وجود فتاوا و دیدگاههای هم‌گرا به‌طور صریح از سوی پیشوایان متقدم، در دوره معاصر نیز فتاوی صریحی از مراجع دینی ناظر بر هم‌گرایی بین مذاهب فقهی و اجتناب از اهانت به مقدسات مذهبی صادر شده است.

محمود شلتوت، شیخ جامع الازهر در پاسخ استفتایی، فتاوی تاریخی ناظر بر جواز پیروی در احکام شرعی از امامیه را صادر کردند. ایشان در بخشی از فتاوی خویش تصریح می‌کند: مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی‌عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتبهای اهل سنت جایز می‌باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند، دوری گزینند؛ زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود، بلکه همه صاحب مذاهب مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست.^{۴۴}

نتیجه‌گیری

۱. رعایت اصل امانت‌داری، اصل بی‌طرفی، اصل تخصص‌مداری و پرهیز از القاب و عبارات تحقیرآمیز به‌عنوان مؤلفه‌های اخلاقی در مقام توصیف و تحلیل

۳۹. نساء، ۵۹.

۴۰. الفقیه و المتفقه، ص ۹۱.

۴۱. الأئنباه و النظائر، ص ۱۵۸.

۴۲. عمدة التحقیق فی التقلید و التلیف، ص ۹۳.

۴۳. ادب الاختلاف فی مسائل العلم و الدین، ص ۸۷.

۴۴. همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۰۹.





داده‌های مذاهب فقهی در عرصه اختلافات اجتهادی در تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز و دستیابی به حقیقت مسائل، کارساز است.

۲. قاعده فقهی اصولی «مراعات الخلاف» پس از وقوع به معنای اعتباردهی به حکم هر یک از دو دلیل مختلف، مورد اتفاق تمام مذاهب فقهی اهل سنت در دگرپذیری ناظر بر اختلافات اجتهادی دارای نقش محوری است.

۳. قاعده فقهی و سیاسی «حکم الامام یرفع الخلاف» یک قاعده پذیرفته‌شده در عرصه فقه اسلامی به‌عنوان فیصله‌دهنده اختلافات اجتهادی به‌خصوص در مصالح عمومی است.

۴. فتاوی و رفتارهای پیشوایان دینی به‌عنوان یک رویکرد الگوی محوری، نقش مثبتی در تعامل با اختلافات اجتهادی دارد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- اخلاق حرفه‌ای، احد فرامرز قراملکی، تهران، مؤلف، ۱۳۸۲ش.
- ادب الاختلاف فی مسائل العلم و الدین، محمد عوامه، جده، دارالمنهاج، ۱۴۲۸ق.
- الاختلاف و ما آل الیه، محمد بن عمر بن سالم بازمول، بی‌نا، بی‌تا.
- الأشباه و النظائر، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- التاج و الإکیلی، محمد غرناطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- تاریخ التشريع الاسلامی، محمد خضری بک، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۳ق.
- تاریخ الفقه الاسلامی، محمد علی سائیس، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- تاریخ المذاهب الاسلامیه فی السیاسة و العقائد و تاریخ المذاهب الفقهیه، محمد ابوزهره، قاهره، دارالفکر العربی، بی‌تا.
- التعریفات، علی بن محمد جرجانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمدحسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- «خاستگاه اخلاق پژوهش»، احد فرامرز قراملکی، آئینه میراث، شماره ۱، ۱۳۸۳ش.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالتراث العربی، بی‌تا.
- عمدة التحقیق فی التقلید و التلفیق، محمد سعید آلبانی، دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.
- غایة الوصول شرح لب الاصول، زکریا بن محمد انصاری، قم، سیدالشهداء، ۱۴۱۳ق.
- الفقیه و المتفق، احمد بن علی خطیب بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۵ق.
- القاموس المحیط، محمد بن یعقوب فیروزآبادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۹ق.
- الکلیات، ابوالبقاء کفوی، دمشق، بی‌نا، ۱۹۸۱م.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار صادر، ۱۹۵۶م.
- المحلی بالآثار، علی بن احمد ابن حزم، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- المستصفی، محمد بن محمد غزالی، مصر، مطبعه الامیریة، ۱۳۲۴ق.
- المصباح المنیر، احمد بن محمد فیومی، بیروت، المکتبة العلمیه، بی‌تا.
- المعجم الوسیط، ابراهیم انیس؛ عبدالحلیم منتصر؛

عطيه الصوالحي؛ محمد خلف الله احمد، بی‌جا، بی‌نا.
بی‌تا.

- المعيار المغرب و الجامع المغرب عن فتاوی
علماء افريقيه و الاندلس و المغرب، احمد بن يحيى
ونشريسي، بيروت، دارالغرب الإسلامي، ۱۹۹۵م.

- مفاتيح الغيب، محمد بن عمر فخر رازی، بيروت،
دارإحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

- مفردات الفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب
اصفهانى، دمشق، دارالقلم؛ بيروت، الدار الشامیة،

۱۴۱۲ق.

- المنثور فی القواعد، محمد بن عبدالله زركشى،
بيروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.

- منح الجليل، محمد عليش، بيروت، دارالفكر، بی‌تا.
- نهاية السؤل فى شرح منهاج الاصول، عبدالله بن
عمر بيضاوى، بيروت، عالم الكتب، بی‌تا.

- همبستگی مذاهب اسلامى، عبدالكريم بی‌آزار
شيرازى، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامى، ۱۳۸۷ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

